صوت 162 ادامه الاعتراضات العامه علی ادله البرائة

\*- 3/353 : شهید صدر به این بیان استادشان پاسخ میدهند و میفرمایند : نه ؛ - البته باید دقت کرد که شهید دارد انکار میکنند یا دارند تعمیق میکنند. باید گفت انگار شهید صدر دارند تعمیق میکنند. –

خلاصه کلام شهید صدر این است که ما دائرمدار عنوان علم اجمالی نیستیم، ولو شما بگویید عنوان علم اجمالی ملغی گردیده، باشد فرضا این باشد ببینید مشکل ما کجا بود ؟ ما گرفتار این هستیم که این اصولی که در اطراف هستند با هم دیگر معارضه میکنند، شما برو این معارضه را حل کن، اگر از طریق شما معارضه حل میشود که سلمنا و اگر حل نمیشود شما بگو علم اجمالی ملغی شد یا نشد، تعبدا یا غیرتعبدا ! مهم اون ذاتش است. – احساس این است که آقای صدر، نظر آقای خوئی را رد نکرده است بلکه میگوید شما بحث را بردید روی عنوان علم اجمالی، ما میگوییم نه اون مهم نیست بلکه عمیق­تر است. لذا این کلام آقای صدر با کلام آقای خوئی در تضاد با هم نیستند. –

\*- تحدید مفاد البرائة

\*- 1/354 : شک یا در تکلیف است یا مکلَّف به ؛ که شک در تکلیف مجرای برائت است و شک در مکلف به مجرای اصالة الاشتغال؛

پس یا من شک میکنیم آیا تکلیفی است یا نیست ؟ و بحث برائت پیش می آید.

و یک زمان است که نمیدانم آیا امتثال کردم یا نکردم در اینجا اصالة الاشتغال مطرح میشود.

خب یک مشکلی پیش آمده است که : من وقتی عمل را انجام میدهم تکلیف از گردن من ساقط میشود. پس امتثال مسقط تکلیف است. مسقط تکلیف است یعنی چی :

ما فرق میگذاشتیم بین جعل و مجعول – یا بنابر مبنای میرزای نائینی که میگفت کلا دو چیز هستند یا بنابر شهید صدر که میگفت دو چیز نیستند، و دو حالت یک چیز است، جعل اصل تشریع حکم است و مجعول زمانی است که همین حکم فعلیت پیدا میکند.­ میرزای نائینی بنحو قضیه حقیقه و خارجیه جدا میکرد ولی شهید صدر میگوید همان جعل است و زمانی که زمان امتثال اش آمد فعلیت پیدا میکرد. – خب من تکلیف از من ساقط میشود سئوال میشود آیا اصل جعل ابطال میشود ؟ خیر یعنی جعلی عندالله نابود نمیشود بلکه فعلیت آن از بین می­رود. مثلا الان این جعل نسبت به من فعلیت پیدا کرده است، من اگر این را امتثال کنم و این تکلیف از گردن من ساقط میشود یعنی از فعلیت می افتد. پس فعلیت میشود از مسقطات فعلیت تکلیف؛ فرض کنید حالا من الان شک کردم در اینکه آیا من نماز ظهر را خواندم یا نخواندم؟ یعنی شک در امتثال کردم لکن میگویند این یک مقدار عمیق تر است، شما وقتی شک میکنید در امتثال یعنی دارید شک میکنی که آیا تکلیفی از گردن شما ساقط شده است یا نه ؟ و یعنی شک در امتثال شما برمیگردد به شک در اصل تکلیف، مثلا یعنی تکلیفی بنام وجوب نماز ظهر بر من واجب است یا نه - باز اصل تکلیف منظورمان جعل نیست – اگر شد شک در اصل تکلیف دیگر اصالة الاشتغال جاری نمیشود و برائت جاری میشود. پس هیچوقت اصالة الاشتغال جاری نمیشود بلکه همیشه برائت جاری میشود.

زیرا یا مستقیما شک در تکلیف است یا بواسطه شک در امتثال شک در تکلیف است؟

توضیح بیشتر : یک وقت هست که من شک میکنم تکلیف بر گردن من است یا نه و برائت جاری میکنم. مثلا من شک میکنم من بالغ شدم یا نشدم ؟ برائت جاری میکنیم و میگویم بالغ نشدم.

یا شک میکنم که من مستطیع شدم یا نشدم و برائت جاری میکنم که نه مستطیع نشدم و تکلیف را بر خودم برمیدارم با اصالة البرائه.

یک وقت هست من حج رفته­ام و شک میکنم آیا این حج من موجب اتیان اون وظیفه شده یا نه ؟ که آیا من حج را درست انجام دادم یا نه ؟ ­این شک در امتثال است. سئوال این است که وقتی شما شک میکنید در امتثال یعنی وقتی آیا این کار را انجام دادم یا ندادم یعنی شک میکنید آیا این تکلیف هنوز هم بر گردن من هست یا نیست ؟ پس باز برگشت به شک در اصل تکلیف و باز برائت جاری میکنیم.

شهید صدر میگوید ما اساسا اتیان را مسقط فعلیت تکلیف نمیدانیم بلکه مسقط فاعلیت تکلیف می دادیم. ما میگوییم در صورتی که شما اتیان بکنید تکلیف را مثلا نماز را بجا بیاورید فعلیت وجوب نماز از بین نمیرود بلکه فاعلیت و محرکیت آن زا بین میرود.­یعنی اینطوری نیست " أصلّیتَ " و شما بگویید صلّیتُ و من بگویم قد تسقط الصلاة ، بلکه میگویم قد اسقطت الفاعلیت الصلاة ؛ یا میگوییم قد استیفیتَ المصلحه ؛ فلذا ما میگوییم کماکان نماز موجب فعلی دارد چرا چون شما شرایط اش را دارید زیرا شما که از عقل خارج نشدی و زوال هم است، یعنی همه شرایط است الّا اینکه این تکلیف فعلی، محرکیت نسبت به شما ندارد. یعنی امتثال و عصیان را مشهور میگویند مسقط فعلیت است و ایشون میگوید مسقط فاعلیت است.

پس من شک میکنم در فعلیت امتثال یعنی شک میکنم در محرکیت تکلیف و نه شک در فعلیت تکلیف؛

این شد نظر آقای صدرو مشکل را حل کرد.

ولی مشهور که میگویند که امتثال از مسقطات تکلیف است، اینها گیر کردند لذا باید توجیه کنند.

یک توجیه اش این است که میگویند استصحاب میکنیم و از طریق استصحاب مشکل را حل میکنیم. میگوید آیا میدانستی پیش از این تکلیف بر گردن تو است میگویید بله و میپرسد یقین داری امثتل کردی میگوییم نه؛ میگوید امثتال کن عدم امتثال را.

توجیه دیگر : برخی گفته کی گفته ادله برائت شامل یک همچنین موردی میشود و گفتند اصلا انصراف از چنین موضوعی دارد و این مورد را در بر نمی­گیرد.

\*-1/355 : میگوید حالا ما باید یک میزانی دست شما بدهیم در تفاوت گذاری، برای اینکه برای ما تفاوت بگذارد.

بالاخره ما فهمیدیم اگر شک در تکلیف باشد برائت و شک در مکلف به یا امتثال باشد اصالة الاشتغال است. ولی همینجا هم بر اساس نظر مشهور یک گیری کردیم. ما یک ضابطه دقیقی میخواهیم که درست بفهمیم کدام مورد قطعا شک در تکلیف است که من برائت جاری کنم و کدام مورد شک در مکلف به یا امتثال باشد اصالة الاشتغال جاری کنم.

شبهات دو نوع است یکی شبهات حکمیه و یکی شبهات موضوعیه.

در شبهات حکمیه معمولا مشکلی نیست چرا ؟ وقتی شما شبهه حکمیه ایجاد میشود واضح است میرود سراغ شک در تکلیف. .وقتی نمیدانم واجب است یا نه ؟ شک در تکلیف است. نمیدانم حرمتی بر گردنم هست یا نیست.

ولی در شبهات موضوعیه گیر میکنیم. گاهی در شبهات موضوعی است جوری است که از قبیل شک در امتثال است و لذا محل جریان اصالة الاشتغال است. اونجاها ما نیاز به یک میزان دقیق نیاز داریم.

\*- 2/355 : وقتی میگوییم موضوع این کاربردهای معنایی متفاوتی دارد. وقتی میگوییم موضوع ، موضوع در مقابل حکم قرار دارد. مثلا وقتی میگوییم اکرم العالم ، حکم وجوب اکرام است، متعلق الحکم، خود اکرام است. موضوع حکم ، العالم است. کاربرد اولی موضوع را در مقابل متعلق قرار میگیرد و به این میگویند موضوع بمعنای اخص؛

گاهی موضوع در مقابل متعلق نیست، بلکه موضوع را میگوییم هر آنچه غیر از حکم باشد میشود موضوع؛ یک حکم داریم، یک متعلق الحکم و قیود و شرایط حکم را داریم مثلا نماز یک شرایطی دارد مثل بلوغ و ... و در نهایت متعلق المتعلق یعنی همان چیزی که میگوییم موضوع؛ در این حالت موضوع یک معنای عامی میگیرد یعنی هر آنچه در مقابل حکم باشد.

وقتی شما میگویید شبهات حکمیه و شبهات موضوعیه. در شبهات موضوعیه، موضوع اینجا به معنای اخص نیست که در مقابل متعلق الحکم است، بلکه موضوع به معنای اعم است یعنی موضوع یعنی هر آنچه در مقابل حکم است یعنی هر چه آنچه حکم نیست.

پس شبهات حکمیه یعنی شبهاتی که فقط و فقط در مورد تکلیف است یعنی وجوب و حرمت و شبهات موضوعیه یعنی شبهاتی که درباره متعلق و قیود حکم است و درباره متعلق متعلق یعنی موضوع به معنای اعم است.

میگویند در شبهات موضوعیه که دایره­اش اینقدر گسترده شد گاهی اوقات در همونجا شما شک در متعلق میکنید و این از قبیل شک در امتثال است و مقام اصالة الاشتغال میشود نه مقام اصالة البرائة ؛ 55